

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ اپریل ۲۰۲۳

## یکی بود، دو شد؛ تطویل صف "ملا غیبت الله" ها!

جمعه- ۰۱ ثور ۱۴۰۲ - کابل: امروز در اکثر قریب به اتفاق کشور های اسلامی "عید رمضان" که مردم ظریف کابل آن را "عید شکم" نامیده اند، من جمله در کشور خود ما افغانستان که به باتلاق جهل و خشونت تبدیل شده است، آغاز و تجلیل شد. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- در حالی که نماز عید فطر امروز در اکثر نقاط شهر کابل به ساعت هفت و نیم صبح اقامه گردید و طبق گفته های تعدادی از دوستان و اعضای خانواده از جانب ملای مسجد هر محله به نمازگزاران اکیداً امر شده بود تا به نماز عید خود را برسانند، مگر همان طوری که در خبر ها احتمالاً شنیده باشید، در نماز عیدی که در "ارگ" یعنی خانه "ملا حسن آخندزاده" برگزار شد، شخص "ملا حسن" در آن شرکت ننموده با ارسالی پیامی ثابت ساخت که ضرب المثل های "خربوزه خربوزه را دیده رنگ می گیرد"، "با ماه نشینی ماه شوی با دیگ نشینی سیاه" و "خر که از خر پس ماند بینی اش از بریدن است" بیان واقعیت می باشند. بدان معنا که وقتی "ملا هبت الله" از عالم غیب حکومت می نماید، "ملا حسن" چرا در چنان محافلی حضور یابد و از عالم غیب صدارتش را پیش نبرد.

۲- برای این که نشان داده باشم که نماز عید در اسلام و فقه حنفی چه جایگاهی دارد، به جای آن که خود چیزی در مورد بنگارم شما را به خواندن یک بند از مطالبی معنون به "فلسفه، احکام و آداب عید در روشنی قرآن، سنت و فقه حنفی" در سایت "معلومات اسلامی" از قلم "فضل الله ممتاز" یکی از اسلام شناسان اهل سنت و جماعت دعوت می نمایم:

"فضیلت واجر و ثواب بزرگی که نماز هر دو عید دارد فقهای مذهب حنفی آن را واجب دانسته اند که کسی اگر آن را ترک کند گنهگار می شود، در حالی که علمای فقه حنبلی نماز عید را فرض کفائی می دانند، و در نزد دو مذهب فقهی مالکی و شافعی نماز عید سنت مؤکد است. و اکثر فقهای معاصر واجب بودن آن را ترجیح می دهند زیرا الله متعال به ادای این نماز امر نموده و امر کردن به معنای واجب بودن است و فرموده است: "فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ" که خاص برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن."

۳- وقتی می بینیم و می شنویم که ملاهای تمام مساجد به مثابه معاشخوران اداره احتساب حاکمیت، مردم را به زور و از راه جهت ادای نماز به طرف مسجد ها می کشانند، مگر همزمان "ملا حسن" علی رغم واجب بودن نماز عید آنهم

در عقب خانه و محوطه بودوباش خودش و خانواده اش در نماز شرکت نمی ورزد، برای همه می تواند سوال چرایی اجتناب از اقامه نماز عید مطرح بگردد.

این که آیا "ملا حسن" خود را از "ملا هبت الله" کم نمی داند و می خواهد به سبک و سیاق او، حاکمیت نظام ملاسالار را پیش ببرد و یا حاضر نیست در عقب "ملا حقانی" اقتداء نماید و نماز در عقب وی را جایز نمی داند و یا اساساً عامل دیگری باعث این اجتناب از حضور شده است، نکته ایست که در آینده بیشتر روشن خواهد شد.  
هموطنان گرامی!

تا جایی که از اخبار سرچوک و گفته های کسانی که از مناسبات درونی طالب و زمامداران نظام ملاسالار مطلع هستند بر می آید، این عدم حضور هیچ ربطی به مریضی و یا ناتوانی جسمی "ملا حسن" ندارد، بلکه دلیل اصلی امتناع وی از شرکت در نماز عید و خود را غایب نشان دادن، تشدید تضاد است که بین طرفداران "دارالامارة قندهار" و "پایتخت کابل" به وجود آمده است.

به اساس گفته همین کسان، "ملا حسن" از این که روز تا روز "ملا هبت الله" در کار های حکومتی مداخله می کند و حتا بدون اطلاع وی والی ها و قومندانها را تبدیل و تغییر می کند، سخت ناراض است. زیرا "ملا حسن" برای این نکته پافشاری دارد که در آغار انتصاب وی به این مقام، قرار فیصله هائی که در پاکستان زیر نظر مستقیم نمایندگان و رؤسای "آی. اس. آی." داشتند، قرار بر این بود که گردانندگی چرخ حاکمیت و نظام ملاسالار را "ملا حسن" به دوش خودش داشته و بتواند مستقلانه پیش ببرد و "ملا هبت الله" و یا هر امیر دیگری که به جایش بیاید فقط نقش هادی و هدایتگر داشته باشد نه نقش اجرائی و قبضه تمام صلاحیت های اداری حتا مقرری یک کاتب و سرکاتب.

هرگاه این آوازه ها راست باشد و "ملا حسن" واقعاً به مثابه اعتراض علیه انحصارگری های "ملا غیبیت الله" به این نماز نیامده باشد، بدان معناست که تضاد بین "کابل" و "قندهار" که تا قبل از این جسته و گریخته بر مخالفت های شبکه حقانی و ملابرادر و ملا یعقوب با "ملا غیبیت الله" استوار بود و در آزمان "ملاحسن" تقریباً بیطرفی اتخاذ نموده بود، شدت و وسعت بیشتری یافته عملاً "ملا حسن" را به دنبال خود کشیده است.

هموطنان گرامی!

تشدید تضادهای درونی نظام ملاسالار نباید بدان معنا تعبیر گردد که ما دیگر کار و وظیفه ای نداریم و می توانیم منفعلانه منتظر تکامل و تشدید هرچه بیشتر این تضاد باشیم. عکس آن شرایط و اوضاع کشور از ما می طلبد که می باید ضمن استفاده از این تضاد و تضاد های مشابه آن و سرمایه گذاری در جهت تشدید بیشتر آنها، وظایف اصلی خود ما را که کار برای وحدت جنبش انقلابی و تأمین وحدت مردم و تسلیح آنها می باشد، بیشتر از پیش جدی گرفته، بی وقفه و بی هراس در جهت سرنگونی طالب و طالبیسم به کار و پیکار انقلابی ما ادامه دهیم.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**